



این زندگی‌نامه پُر است از دستوره‌های آشپزی و تقریباً در هر صفحه، شوخی‌ای خودتحقیرآمیز درباره‌ی عشق سیری‌ناپذیر آنچلوتی به غذا وجود دارد. این ماجرا آن قدر در کتاب تکرار می‌شود که مشخص نیست وقتی می‌نویسد «فقط یک بار در زندگی‌ام حس کردم به روانپزشک نیاز دارم، به یوری ژیرکوف نگاه می‌کردم و تنها یک استیک ریب‌آی می‌دیدم»، شوخی می‌کند یا نه.



آدریانو گالیانی، مدیر قدیمی میلان هم که سال‌ها با او کار کرده، یک بار درباره‌ی کارلتو گفته بود: «در خانه‌ی آنچلوتی همیشه خوب غذا می‌خوری.»

